فضیلت جابر بن عبد الله در روایت «بلغ من إيمان جابر أنه كان يقرأ هذه الآية»

* متأسفانه ابتدای جلسه ضبط نشده است.

تعبیر اکثر کرده‌اند، بازتاب این اکثر برای بعد از قرن یازدهم است. من به سهم خودم هر چه ممکن بود در کتاب‌های قبل از قرن یازدهم تفحص کردم اما پیدا نکردم. آنها می‌گویند اجماع. اصلاً از یک نفر اسم نمی برند که مخالف باشد. آنها اکثر ندارند. اکثر برای بعد از قرن یازدهم است. قبلاً هم عرض کردم که بحث باید طوری باشد که حالت تحریک تحقیق در آن باشد. برای همین بود که گفتیم جایزه معین کنیم. تا تحریکی برای اذهان باشد تا دنبال آن بروند. ببینیم قبل از قرن یازدهم تعبیر اکثر را کسی آورده ای نه. همه گفته‌اند «اجماع». حتی محقق اردبیلی که در دقت معروف هستند در اینجا خواستند خیلی با احتیاط صحبت کنند کلمه «کانّه» آوردند. دیگران همه می‌گویند اجماع است. اما ایشان فرمودند «کانّه لا خلاف». در مجمع الفائده هست. این آخرین تعبیری است که محقق اردبیلی در مجمع الفائده دارند. و چه تأکیدات مهمی داشتند.حال من بعدا برخی از عبارات مجمع الفائده را می‌خوانم تا ببینید ذهنیت مقدس اردبیلی راجع به تواتر چه ذهنیت قوی‌ای است. خیلی قوی است.

علی ای حال ایشان فرمودند اکثر، بعد روایات را مطرح کردند و عبارت شهید–که تصریح بود- را بر حرف خودشان شاهد آوردند؛ «أن کل من القراءات السبع من عند اللّٰه تعالی نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ علی قلب سید المرسلین صلی اللّٰه علیه و آله[1]». روایات سبعه را هم آوردند. بعد شروع کردند در شواهد و ادله خلاف. عرض کردم من هشت شماره گذاشته‌ام؛ اول و دوم آن عبارت تبیان و مجمع بود. نسبتاً مفصل راجع به آنها صحبت شد. هر چه هم می‌گذرد برخی از نکات هست که ذهن متوجه‌ش می‌شود و برجسته می‌شود؛ چه بسا ما به تفصیل مباحثه کرده باشیم اما برخی از نکات در ذهن ما برجسته نشده باشد. الآن که من خدمت شما هستم می‌خواهم برخی از نکاتی که در ذهنم برجسته هست را اشاره کنم.

قبل از آن، امروز نکته‌ای را تذکر دادند. چون من قبلش مکرر گفته ام و تذکر داده‌اند که من اشتباه می‌کردم، اینجا می‌گویم که در اینجا ثبت شود. بعداً هم کسانی که این را از من شنیده‌اند ببینند که در اینجا اشتباه شده است. آن هایی که فایل ها را دیده‌اند مکرر این تعبیر را شنیده‌اند که محمد بن مسلم و زراره از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کنند...؛ من اینطور تعبیر کردم که راجع به جابر بن یزید اینطور گفته‌اند: بلغ من ایمان جابر انه کان یقرأ هذه الآیه (ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد)[2]. خب تعبیر «علم» دارد اما تعبیر «یقرأ» زیبا است که از دو راوی بزرگ آمد. جابر مهم بود. او این آیه را قرائت می‌کرد. اینجا را که قرائت می‌کرد من متعدد اینطور عرض می‌کردم که گویا حضرت از لغت خاصی از قرائت استفاده می‌کنند. همه می‌گویند

«یقرأ». اما امام علیه‌السلام گوی قرائت دیگران را قرائت نمی‌دانند. می‌گویند جابری می‌خواهد که «کان یقرأ هذه الآیه». لغتی در قرائت است که بالا بالا است. شبیه همان قرائتی که برای زور

قیامت است؛ «ان عدد درجات الجنه علی عدد آیات القرآن یقال لقاری القرآن یوم القیامه اقرء و ارق»[3]؛ بخوان و بالا برو. یعنی کسی که در درجات بالای بهشت نیست، آن آیاتی که برای درجات بالاست را نمی‌تواند بخواند. باید بخواند تا بالا برود. وقتی نمی‌تواند بخواند بالا هم نمی‌رود. «ان عدد درجات الجنه علی عدد آیات القرآن»، چه تعبیری! «اقرأ و ارق»؛ بخوان و بالا برو. این خواندن، خواندن با معرفت است. من این را زیاد عرض کرده بودم. آقایان تذکر درستی دادند. من اشتباه می‌گفتم که جابر بن یزید بود. منظور از این جابر، جابر بن عبد الله است.

خب چطور شد که من اینطور می‌گفتم. ببینید اصل این روایت در کشی است. من کتاب کشی را نداشتم. آن وقتی که من این روایت را دیدم در بحارالانوار بود. در باب الرجعه بحارالانوار دیدم. نمی‌دانم این ذهنیتم همان وقت بود یا نه؛ علی ای حال من بحارالانوار را می‌دیدم. در مقدمه صحیح مسلم اهلسنت از ایراداتی که به جابر بن یزید می‌گیرد همین است که می‌گوید «کان یقول بالرجعه». می‌گفتند که قائل به رجعت است. از ایراداتی که اهلسنت به شیعه می‌گیرند همین است. هر کسی هم که قائل به رجعت باشد می‌گویند که ضعیف است. اینها در ذهن من بود. در باب الرجعه بحارالانوار دیدم که این دو راوی می‌گویند «جابر کان یقرأ». ذهن من هم سراغ جابر صاحب سر رفت. به‌خصوص اینکه برای او تضعیفاتی هم هست. همچنین تصحیفی هم در بحارالانوار صورت گرفته. یعنی کلمه‌ای که در بحارالانوار هست، حرفش عوض شده و همین باعث شد که این ذهنیت در من قوی شود. در بحارالانوار چیست؟ می‌گوید «محمد بن مسلم و زراره قال سألنا أبا جعفر ع عن أحادیث نرواها عن جابر فقلنا ما لنا و لجابر»؛ ما اینها را از جابر نقل می‌کنیم اما ما و جابر چه کار؟! ما از خود شما بشنویم. گویا در ذهنشان از جابر چیزی بود. من هم گفتم یک چیزی راجع به جابر بود که اینها می‌خواستند بدانند.«فقال بلغ من إيمان جابر أنه كان يقرأ هذه الآية إن الذي فرض عليك القرآن لرادك إلى معاد»؛ حضرت از او تجلیل کردند و گفتند چرا شما این جور می‌گویید؟! خب من این را با این ذهنیتی که داشتم در باب رجعت دیدم. «نرواها» هم دارد. با آن چیزهایی که راجع به جابر بن یزید مطرح بود، من هم این را حمل بر جابر بن یزیدی که معروف است می‌گویند باب امام است. از اصحاب سرّ امام باقر علیه‌السلام است. چندین سال هم من این را می‌گفتم. امروز خواستم آن را تصحیح کنم. ولی اصل این حدیث در بحارالانوار برای کشی است. من کشی را نداشتم. این روایت در کشی روشن است. این را که مرحوم مجلسی نفرمودند. فقط در باب الرجعه بحارالانوار گفته‌اند جابر. با این ذهنیت من هم اشتباه صورت گرفت. در کشی که منبع آن است معلوم است که این روایت در ذیل احوال جابر بن عبدالله است. اگر من اصل را دیده بودم می‌فهمیدم که این روایت برای او است، نه برای جابر بن یزید.

خب آن چیزی که در کشی است، چیست؟ اگر حتی در بحارالانوار این تصحیف صورت نگرفته بود ذهن زودتر سراغ این می‌رفت که جابر هست یا نه. در کشی به این صورت است که محمد بن مسلم و زراره می‌گویند «سألنا أبا جعفر ع عن أحادیث فرواها عن جابر»، در بحارالانوار بود «نرواها». در بحارالانوار به جای «ف»، «ن» شده. «فرواها عن جابر قلنا و ما لنا و لجابر». اینجا خوب شد. می‌گوید احادیثی را از حضرت سؤال کردیم، حضرت این احادیث را از جابر بن عبدالله که در کشی است. گفتیم که ما را با جابر چه کار؟! ما محضر شما هستیم. حضرت فرمودند نه، «بلغ من ایمان جابر انه کان یقرأ هذه الآیه..».

ببینید «فرواها» خیلی تفاوت می‌کند تا «نرواها» که به این معنا است که ما روایت می‌کنیم اما شک داریم. با اینکه احادیثی را پرسیدیم «فرواها»؛ حضرت از جابر روایت کردند. اگر در بحارالانوار «فرواها» بود ذهن من سراغ جابر بن یزید نمی رفت. به‌خاطر اینکه امام باقر علیه‌السلام هیچ وقت از جابر بن یزید روایتی را نقل نکرده‌اند. جابر یزید راوی از امام است. نه اینکه امام از جابر بن یزید روایت بکنند. او که متأخر بود. لذا به این دلیل بود که مقصود از «فرواها» جابر بن

یزید نیست. در بحارالانوار «نرواه» بود. این تصحیحی است که عرض کردم. تذکر دادند. جزاکم الله خیرا. چندین سال است که من این را گفتم. هر کسی شنید تصحیح کند که منظور جابر بن عبدالله است.

این یک نکته، که نکته خوب و عالیای است. هم تکرار این حدیث عالی است و هم این نکته که ایشان جابر بن عبدالله است.

---

[1]مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة(ط - دار الاحياء التراث) ج ۲ ص۳۹۲

[2]رجال الكشي - اختيار معرفة الرجال (مع تعليقات مير داماد الأسترآبادي)، ج۱، ص: ۲۳۴؛ عن محمد بن مسلم و زرارة، قال: سألنا أبا جعفر عليه السلام عن أحاديث فرواها عن جابر، فقلنا: ما لنا و لجابر؟ فقال: بلغ من ايمان جابر أنه كان يقرء هذه الاية- ان الذي فرض عليك القرآن لرادك الى معاد.

[3]الأمالي(للصدوق)، النص، ص: ۳۵۹؛ عن الصادق جعفر بن محمد ع أنه قال: عليكم بمكارم الأخلاق فإن الله عز و جل يحبها و إياكم و مذام الأفعال فإن الله عز و جل يبغضها و عليكم بتلاوة القرآن فإن درجات الجنة على عدد آيات القرآن فإذا كان يوم القيامة يقال لقارئ القرآن اقرأ و ارق فكلما قرأ آية رقي درجة و عليكم بحسن الخلق فإنه يبلغ بصاحبه درجة الصائم القائم و عليكم بحسن الجوار فإن الله أمر بذلك و عليكم بالسواك فإنها مطهرة و سنة حسنة و عليكم بفرائض الله فأدوها و عليكم بمحارم الله فاجتنبوها.

بازبینی #3
ایجاد شده 17 آوریل 2024 15:18:33 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 مه 2024 14:20:36 توسط ... .